

استراتژی عادلانه در مواجهه با اقتصاد هنرمندان و سلبریتی‌ها چیست؟

مالیات از بالا حمایت از پایین



میلاد جلیل‌زاده

خبرنگار گروه‌فرهنگ

صبح روز سه‌شنبه ۲۷ تیر ماه، سیداحسان خاندوزی، وزیر اقتصاد، وقتی درباره تاکید دولت روی افزایش درآمدهای مالیاتی صحبت می‌کرد، با پرسشی راجع‌به اخذ مالیات از سلبریتی‌ها مواجه شد. این بحث قدیمی‌تر از زمان روی کار آمدن این دولت است و از آنجا که به نظر می‌رسید تاکید بر ادامه‌دار بودن چنین معافیت‌هایی جزء اصول دولت قبل باشد، ابتدا توقع می‌رفت با عوض شدن دولت و تغییر پارادایم‌های فکری و اجرایی، این وضعیت هم دستخوش تغییر شود اما اوایل روی کار آمدن دولت سیزدهم و پس از تقدیم اولین لایحه بودجه تیم اجرایی جدید به مجلس شورای اسلامی بود که خبر تمدید معافیت مالی هنرمندان در رسانه‌ها منتشر شد. چند روز قبل از چهارم اسفند ۱۴۰۰ که این خبر رسماً اعلام شود، وزیر فرهنگ در یک برنامه تلویزیونی گفت که به دلیل شرایط کرونایی و صدمه دیدن اقتصاد هنر بوده که این تصمیم اتخاذ شده است. او گزاره، یعنی «معافیت به سوال مجری برنامه که این دو گزاره، معافیت مالیاتی هنرمندان» و «شرایط اقتصادی دوران کرونا» را کنار هم قرار داد و سواالش را پرسید، این‌طور جواب داد و نمی‌شود حدس زد که اگر طور دیگری مورد پرسش قرار می‌گرفت، چه پاسخی می‌داد. به عبارتی نمی‌دانیم اگر بحث با همان بهانه کرونا توسط خود مجری مطرح نمی‌شد، وزیر فرهنگ چه دلیلی برای ادامه‌دار شدن چنین معافیت‌هایی عنوان می‌کرد. به هر حال فردای روزی که خبر این معافیت اعلام شد، در پنجم اسفند ماه، محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی، نامه‌ای منتشر کرد که در آن از وزیر فرهنگ بابت بازبینی‌هایش در این خصوص تشکر کرده بود. تاکنون تنها اقدام عملی که از دولت جدید درخصوص اخذ مالیات از سلبریتی‌ها دیده شده، همین بوده است.

در اواخر مرداد ماه ۱۴۰۱، محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد، در یک برنامه تلویزیونی حاضر شد و طور دیگری درباره معافیت مالیاتی هنرمندان صحبت کرد. او گفت: «سال گذشته که در مجلس بحث لایحه بودجه بود، گفتیم جای بحث این مورد (معافیت یا اخذ مالیات از هنرمندان) در لایحه بودجه نیست. شما باید بباید در قانون معافیت‌های مستقیم، مفصل بایستید و روی این کار کنید. ما چون هم قانون‌های مترادفی داریم، هم در صف قانونگذاری کلی قانون و طرح و لایحه هست، لایحه بودجه دم‌دستی‌ترین چیز است. خیلی وقت‌ها ما در دولت یا همکاران‌مان در مجلس، برخی از مواردی که به حق می‌دانیم را می‌آوریم در لایحه بودجه می‌گذاریم. من گفتم آقا چرا این را در قانون بودجه می‌گذارید؟ بباید قانون مالیات‌های مستقیم را اصلاح کنید وگرنه هر کس به همان اندازه‌ای که درآمد دارد، باید بباید و مالیاتش را بدهد. مالیات یک حق عمومی است که باید پرداخت بشود و در این زمینه فرقی بین هنرمند و غیر هنرمند وجود ندارد.» چنانکه می‌بینیم در اسفند ماه ۱۴۰۰ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی «صدمه خوردن اقتصاد هنر به دلیل شرایط کرونایی» را دلیل معافیت مالی هنرمندان می‌شمارد و در مرداد ۱۴۰۱ می‌گوید ما نگفتیم مالیات ندهند، گفتیم آن را به جای لایحه بودجه در قانون مالیات‌های مستقیم بگنجانند.

با مرور این پیش‌زمینه می‌توان به استقبال سوالی رفت که از احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد، درباره معافیت مالی سلبریتی‌ها شد و پاسخی که او داد. خاندوزی که تقریباً می‌شود او را یکی از باهوش‌ترین اعضای هیات دولت در استخدام واژه‌ها دانست و این را هنگامی که نماینده مجلس بود هم به خوبی نشان می‌داد، با کشاندن پای واژه‌ها به دامنه ابهام، از تیررس مهم‌ترین و بزرگ‌ترین انتقادی که چنین پرسشی در دل خودش داشت گریخت. او به بهانه ضمنی پاسداشت واژگان فارسی، لفظ سلبریتی را ترجمه کرد به کلمه چهره یا

شُهره و گفت: «تمرکز دولت بر مساله شناسایی درآمد‌ها بوده است و ۵۵۰ کاربر رسانه‌های اجتماعی با درآمد تبلیغاتی بالا و ۱۲۳ نفر که حدود ۲ هزار ۳۰۰ میلیارد تومان درآمد واریزی به حساب‌هایشان داشته‌اند، شناسایی شدند.» اگر خوب دقت کنیم، اصلی‌ترین چیزی که خاندوزی به واسطه کشاندن پای واژه‌ها به دامنه ابهام، از پاسخ به آن گریخت مالیات هنرمندان بود. او چهره یا شهره را به‌عنوان برابری فارسی برای واژه سلبریتی به کار برد و به این شکل، هر طور بود از به کار بردن واژه «هنرمندان» طفره رفت.

خاندوزی جمله وزیر فرهنگ را این‌بار با دقتی رسمی‌تر به کار برد که اتفاقاً به نظر می‌رسد بیشتر به حقیقت تصمیمی که دولت مدنظرش دارد نزدیک باشد. او در ادامه گفت: «برای دولت درآمد چهره‌ها و سایر گروه‌های اجتماعی تفاوتی ندارد و براساس احکام قانون عمل خواهد شد.» و عمداً نگفت درآمد هنرمندان و سایر گروه‌های اجتماعی تفاوتی ندارد. چهره‌ها یا شهره‌هایی که به گفته او باید از این به بعد مالیات ببردازند، بیشتر از آنکه سلبریتی باشند، اینفلوئنسر یا به تعبیر راحت‌تر، شاخ‌های مجازی هستند.

اخذ مالیات هنرمندان باید از بالا شروع شود اما…

بحث مالیات هنرمندان که طبعاً باید اخذ آن از بالا شروع شود نه از کم‌درآمدترین اقشار، بیشتر از اینکه به عایدی مالی دولت از این درآمدها مربوط باشد، به شفافیت مربوط است. این خصوصاً در سینما و پس از آن موسیقی بحث مهمی است. یک سینمای مطلقاً ورشکسته که سال‌هاست ستارگان آن از نورتمندترین افراد جامعه هستند و تقریباً همه در آن ادعای مستقل بودن و تولید در بخش خصوصی دارند، از مالیات می‌هراسد نه صرفاً به خاطر سهمی که قرار است به بیت‌المال بدهد، بلکه به خاطر شفاف شدن سهمی که از بیت‌المال می‌گیرد. چرخه اقتصادی سینمای ایران مطلقاً به‌صرفه نیست. یعنی فیلم ساختن و توزیع آن نمی‌تواند کسی را به سود برساند و حتی ضرر مالی هم در پی دارد. در این شرایط کمک‌دولت برای جان‌گرفتن این صنعت معیوب توجیه دارد اما اینکه یک فضای غبارآلود اقتصادی در سینما ایجاد شود و تجارت سینمایی در داخل کشور هم به سبک دور زدن تحریم‌ها و برخی تجارت‌های خارجی انجام شود، هیچ توجیهی ندارد.

مالیات دادن هنرمندان می‌تواند این بازی را به هم بزند و همه را مجبور به فعالیت در فضایی شفاف کند. این است که دولت‌ها می‌روند و می‌آیند اما با وجود اختلافات بنیادین در موارد مختلف، عملاً در این نقطه مشترک هستند که از هنرمندان، خصوصاً اهالی سینما مالیات نگیرند. یک بار شرایط کرونا بهانه می‌شود و یک بار وضع ضعیف مالی بعضی هنرمندان؛ حال آنکه همه می‌دانند وقتی صحبت از مالیات سلبریتی‌ها می‌شود، منظور، آن ناشر کتاب یا نویسنده یا هنرمند معمولی‌تاثیر یا حتی آن بازیگر قدیمی سینما نیست که هنوز مستاجر است. منظور کسانی هستند که لاقل همان گوشه به نمایش درآمده از ثروت‌شان نشان می‌دهد خروج‌شان از دایره شمول پرداخت مالیات، چیزی جز بی‌عدالتی نیست.

سیداحسان خاندوزی، وزیر اقتصاد و امور دارایی، در حالی در ۲۷ تیرماه چنین اظهارنظری را راجع به اخذ مالیات از شاخ‌های اینستاگرامی مطرح می‌کند که یک هفته پیش از آن، مهدی بکنظر، سخنگوی سازمان امور مالیاتی گفته بود: «برخی مدعی شده‌اند که سلبریتی‌ها در فضاهای متنوع و فیلترینگ فعالیت کرده‌اند و چرا باید مالیات پرداخت کنند؟ این درحالی است که هرچند این فضا فیلتر شده ولی این افراد فعالیت اقتصادی داشته‌اند و میلیارد میلیارد به حساب آنها وارد می‌شود، پس باید مانند کارمندان و کارگران که مالیات پرداخت می‌کنند، مالیات بدهند.»

پاسخ بکنظر به این سوال کاملاً منطقی‌ است «وقتی کسب‌وکاری را با فیلترینگ عملاً غیرقانونی دانسته‌اید،

فرهنگ

قبلی فرقی ندارد و در اینجا پول‌ها بی‌حساب‌وکتاب و غیرمنطقی توزیع می‌شوند. در نیمه‌شبی از شب‌های فجر چهل‌ویکم، به کارگردان «گل‌های باورده» (که با پول فارابی و وزارت نفت ساخته شده است) در نشست خبری گفته شد: «می‌گویند حمید فرخ‌نژاد ۱٫۵ میلیارد تومان برای بازی در فیلم شما پول گرفته و بدون اینکه در حد یک پلان جلوی دوربین‌تان حاضر شود، پول را برداشته و از کشور فرار کرده است.» مهرداد خوشبخت در پاسخ گفت: «من از این پول خبر ندارم. اگر گرفته که نوش جانش![!] همه می‌دانیم از این مثال‌ها زیاد است و تازه این مواردی است که خبری شده و عموم جامعه از آن اطلاع دارند. موارد بسیاری هم هست که خبری نشده اما اهالی رسانه و عوامل سینما نسبت به آن مطلع هستند و به‌دلیل بار حقوقی، این موضع به‌صورت علنی بیان نمی‌شود. وجود چنین مواردی است که باعث می‌شود نتیجه بگیریم مالیات بر درآمدهای بالای هنرمندان، حتی اگر درنهایت یک‌هزارم درصد از درآمدهشان باشد، لاقل این خوبی را دارد که چنین وضعی را شفاف می‌کند. قرار گرفتن دخل و خرج سینما ذیل قواعد مالیاتی باعث می‌شود هر پولی که در آنجا جابه‌جا می‌شود، از هرجا که آمده و به هر که پرداخت شده، مشخص و قابل‌رهگیری باشد. از طرفی آنهایی که تا این حد مخالف شفافیت هستند، بیشتر از نگرانی بابت درصدی از درآمدهشان که باید ببردازند، بابت اینکه قرار است مشخص شود از کجا و چقدر پول گرفته‌اند یا پرداخت کرده‌اند، ناراحت هستند. درحقیقت دلیل اصلی اینکه ماجرا تا این حد سخت شده و هرچه جامعه فریاد می‌زند، دولت‌مردان مختلف به هزار بهانه از بحث مالیات هنرمندان فرار می‌کنند، همین است. می‌توان در فرصت بعدی به‌شکل صریح‌تر از وزیر اقتصاد پرسید که تکلیف مالیات هنرمندان با درآمد بالا چه می‌شود و این‌طور با مسدود کردن راه لغزش نرم و نامحسوس از روی واژه‌ای به مفهوم واژه‌ای دیگر را گرفت.

پایان خوش یک مطالبه!

داستان از اینجا شروع شد که بالاترین لایه‌های درآمدی جامعه نمی‌خواستند مالیات ببردازند و برعکس، ا فشار کم‌درآمدتر که عمدتاً حقوق بگیر یا صاحب کسب‌وکارهای خرد بودند، راه‌گریزی از پرداخت مالیات نداشتند. یکی از بخش‌هایی که از همان ابتدای ماجرا، از معافیت مالیاتی بهره‌کشی کردند، آن بخش از جامعه هنری بود که پژواک صدایشان بلندتر از سایر اقشار ضعیف به گوش رسانه‌ها می‌رسید. اتفاقاً اولین بار که بحث مالیات هنرمندان مطرح شد، بازیگرانی مشهور و پردرآمد جلودار نقد این مطالبه اجتماعی شده بودند و برای فرار از این خواسته بر حق، آن را به دعواهای سیاسی منتسب کردند. به‌طور دقیق‌تر در میان هنرمندان کسانی هستند که درآمد بالایی ندارند و نه‌تنها نیاز نیست مالیات پرداخت کنند، بلکه در بعضی مقاطع زمانی ممکن است به بسته‌های حمایت مالی نیاز داشته باشند اما متأسفانه معمولاً این افراد قوی‌تر و پردرآمدتر جامعه هنری بودند که منتفع از مزایای معافیت از مالیات می‌شدند. ورود دولت برای دریافت مالیات از هنرمندان، اتفاقاً باعث استانداردسازی فضای هنری می‌شود و مهم‌ترین مانع برای تمرکز سرمایه در برخی از نقاط حوزه فرهنگ است. ورود دولت در دریافت مالیات از هنرمندان اتفاق مهمی است و اگر به‌صورت دقیق و حساب‌شده اجرا شود نه‌تنها جریان تولید در سینما دچار کاهش کیفی نخواهد شد بلکه باعث می‌شود که جریان تولید پویا شده و برای عموم جامعه هنری فراهم شود.

مالیات دادن به سبک سینمای جهان
در همه جای دنیا هنرمندان ملزم به پرداخت مالیات هستند و با توجه به اینکه فضای هنر و رسانه مستعد تجمیم سرمایه است، قوانین سختگیرانه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. بسیاری از هنرمندان معروف آمریکایی به‌دلیل عدم پرداخت مالیات یا فرار مالیاتی شاهد ضبط شدن دارایی یا حتی گذراندن حبس در

زندان بودند. یک مورد معروف در این قضیه به سال ۲۰۰۹ برمی‌گردد که سازمان خدمات درآمد داخلی آمریکا اعلام کرد نیکلاس کیج، بازیگر مشهور آمریکایی، ۶٫۶ میلیون دلار مالیات معوق دارد و باید پرداخت کند. این رقم تا پایان همان سال به ۶٫۷ میلیون دلار افزایش یافت. این رقم مجموع بدهی کیج برای سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ بود و درنهایت کیج مجبور شد در سال ۲۰۱۲ بدهی مالیاتی‌اش را پرداخت کند. این بازیگر مشهور آمریکایی برای پرداخت بدهی مالیاتی خود مجبور شد چند خانه ویلایی و حتی فسیل مربوط به جمجمه یک دایناسور را که پیش‌تر خریداری کرده بود، بفروشد. او بعدها گفت مالیاتش حدود ۱۴ میلیون دلار بوده است و پس از ارزیابی مجدد نهائیتاً با پرداخت ۶ میلیون دلار قضیه را فیصله داده است.

دیگر بازیگر معروف فیلم «تغییر چهره» هم یکی از سلبریتی‌هایی است که از تیغ برنده سازمان مالیات آمریکا در امان نماند. جان تراولتا به‌دلیل عدم‌گزارش صحیح درآمدها و ضررهای خود بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ از سوی سازمان خدمات درآمد داخلی آمریکا به پرداخت ۱٫۱ میلیون دلار جریمه محکوم شد و در سال ۲۰۰۰ مجبور شد برای صاف کردن این بدهی با دریافت تخفیف، ۶۰۴ هزار دلار به سازمان مالیاتی پرداخت کند. به‌عنوان یک مورد دیگر رابرت دنیهرو، بازیگر مشهور هالیوودی را می‌توان مدنظر قرار داد که او هم در سال ۲۰۱۵ درگیر ۶٫۴ میلیون دلار مالیات پرداخت نشده معوق شد. البته او ادعا کرد سازمان خدمات درآمد داخلی آمریکا نامه‌های مربوط به مالیاتش را به آدرسی اشتباه ارسال کرده است و درنهایت وی مالیاتش را تسویه کرد. یک مورد دیگر کارگردان فیلم «گرگ وال استریت» است. مارتین اسکورسزین، کارگردان، فیلمنامه‌نویس، تهیه‌کننده، هنرپیشه و تاریخ‌دان ایتالیایی-آمریکایی، یکی از مشهورترین کارگردانانی است که جایزه اسکار را نیز برده است اما همه این مسائل باعث نشد که او از پرداخت مالیات معاف شود. او در ولنتاین سال ۲۰۱۱ شاهد اعمال مالیات ۳ میلیون دلاری به‌دلیل مالیات معوق، سود و جریمه مربوط به آن بود. اسکورسزین در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ هم مجبور به پرداخت ۲ میلیون دلار مالیات شده بود که البته همه اینها را پرداخت کرده است.

پاملا اندرسون یکی از بازیگرانی است که معمولاً در زمینه پرداخت مالیات بر درآمد خود درست عمل کرده است، اما روزنامه نیویورک‌دیلی در سال ۲۰۱۲ گزارش داد که این بازیگر کانادایی برای سوئمن‌بار به‌دلیل عدم پرداخت مالیات مورد تعقیب قضایی قرار گرفته است. اما مورد شگفت‌انگیز سوفیا لورن است که در سال ۱۹۸۲ به‌دلیل فرار مالیاتی ۱۷ روز را در زندان گذراند. این بازیگر ایتالیایی‌البنه با پرداخت مالیات و جریمه مربوط به آن و تسویه‌حساب با سازمان خدمات درآمد داخلی آمریکا از زندان آزاد شد. موارد اینچنینی مربوط به گذشته نیست و در دوره‌های اخیر هم می‌توان امثال آن را پیدا کرد. ارل سیمونز با نام مستعار DMX یک خواننده سبک رپ آمریکایی است که در سال ۲۰۱۸ به‌دلیل فرار مالیاتی یک سال را در زندان سپری کرد. او در جولای ۲۰۱۷ توسط دادستان منطقه جنوبی نیویورک به یک سال زندان محکوم شده بود. این رهبر آمریکایی ۱٫۷ میلیون دلار فرار مالیاتی داشت. مازتا استورت، مدل سابق و نویسنده آمریکایی هم در سال ۲۰۰۴ به‌دلیل فرار مالیاتی حدود ۲۲۰ هزار دلاری، ۵ ماه را در زندان سپری کرد. وسلی اسنایپس، بازیگر و رزمی‌کار مشهور آمریکایی برای عدم‌پرداخت مالیات خود به میزان ۷ میلیون دلار بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱، در سال ۲۰۱۰ به ۳ سال زندان محکوم شد. این بازیگر مشهور در سال ۲۰۱۰ و پس از ورود به زندان به حکم ۳ ساله برای عدم پرداخت مالیات اعتراض کرد که این اعتراض در دادگاه رد شد. نهائیتاً او در سال ۲۰۱۳ و با گذراندن دوره کامل حبس خود از زندان آزاد شد و درحالی‌که ناچار شده بود مالیاتش را پرداخت کند، ۳سال حبس را هم به‌دلیل فرار مالیاتی متحمل شد.